

پیش رفته و شش جلد آن منتشر شده، اما در میان فقها نمونه‌های اندکی از این کار دیده می‌شود. مرحوم آیت‌الله العظمی میلانی به‌طور ملموس اصرار داشتند که فقه حتماً با اصول تطبیق داده شود. هیچ مسئله فقهی‌ای را بررسی نمی‌کردند، مگر این که مبنای اصولی، قاعده لغوی، رجالی یا اصولی آن را دقیق تحلیل کنند. به همین دلیل، فقه و اصول در درس ایشان به‌طور کامل درهم تنیده بود و از این جهت، ایشان در میان فقهای معاصر جایگاهی ممتاز داشتند.

■ این شیوه سنگین علمی، موجب خستگی شاگردان نمی‌شد؟

طبیعتاً هر روشی مخاطبان خاص خود را دارد. عرض کردم که مرحوم آیت‌الله العظمی میلانی معتقد بودند که سطح علمی نباید فدای راحتی مخاطب شود. بسیاری از طلاب ممکن بود آمادگی این نوع درس را نداشته باشند، اما کسانی که وارد این فضا می‌شدند، با علاقه ادامه می‌دادند. تسلط علمی، عمق بحث و انسجام بیان باعث می‌شد درس‌ها، با وجود سنگینی، جذاب باقی بماند.

■ در گزارش‌های تاریخی و برخی روایت‌های شفاهی به شجاعت فقهی آیت‌الله العظمی

میلانی، به‌ویژه در بحث احکام فقهی مربوط به وقف، اشاره شده است. لطفاً در این باره هم نکاتی را بفرمایید.

می‌دانید که تغییر کاربری موقوفات جسارت فقهی می‌طلبد و افزون بر آن نیازمند احاطه به مباحث فقهی است. بسیاری از موقوفات در طول زمان موضوع خود را از دست داده‌اند. برای مثال، وقف حمام در زمانی معنا داشت که حمام عمومی وجود داشت، اما امروز که این موضوع منتهی است، پرسش اصلی این خواهد بود که تکلیف چنین موقوفه‌ای چیست؟ هیچ‌کس جز حاکم شرع نمی‌تواند در این موارد تصمیم بگیرد. مرحوم آیت‌الله العظمی میلانی در این زمینه شجاعت کم‌نظیری داشتند. اما این شجاعت به معنای خودرأیی نبود. ایشان از مشاوران متعدد استفاده می‌کردند، حتی از متخصصان علوم جدید، تا حکمی که صادر می‌شود، تا حد امکان به نیت واقف نزدیک باشد. این نگاه باعث می‌شد تصمیم‌های ایشان هم فقهی باشد و هم منطبق با واقعیت‌های اجتماعی.

■ این رویه را در مسائل

مستحدثه و اجتماعی هم داشتند؟

بله، ایشان به مسائل مستحدثه بی‌اعتنا نبودند. در حوزه تدریس و در مقام فتوا، همواره توجه داشتند که فقه باید در متن زندگی جاری باشد.

در بسیاری از موارد، شخصاً به بررسی مسائل اجتماعی می‌پرداختند و گاه نمایندگانی تعیین می‌کردند تا از واقعیت‌های میدانی آگاه شوند. به همین دلیل، فتاوی‌ای ایشان رنگ واقعیت داشت و صرفاً بر کاغذ باقی نمی‌ماند.

■ می‌دانیم که آیت‌الله العظمی میلانی در عرصه الگوی آموزشی حوزه علمیه تحولی شگرف ایجاد کرد. لطفاً در این باره توضیحاتی را ارائه بفرمایید.

مرحوم آیت‌الله العظمی میلانی در آموزش، بر سه محور اساسی تأکید داشتند. نخست، «ادب»؛ به این مسئله اهمیت فوق‌العاده می‌دادند. نقل شده است که طلبه‌ای برای دریافت جایزه نزد ایشان آمد، در حالی که سر و وضع مرتبی نداشت. مرحوم آیت‌الله العظمی میلانی فرمودند با این حالت نباید در مجلس علم شرکت کرد. محور دوم، زبان فارسی و ادبیات بود. ایشان گلستان و بوستان سعدی و اشعار حافظ را جزو مواد درسی ضروری می‌دانستند و می‌فرمودند مبلغ دینی باید فارسی را درست، روان و بی‌غلط سخن بگوید. حتی تصریح می‌کردند که برای کسی که مدارج عالی علمی را طی کرده، تسلط نداشتن بر زبان فارسی نقصی جدی است. محور سوم، آشنایی با زبان‌های خارجی بود. با وجود مخالفت برخی نگاه‌های خشک مقدس‌انه، ایشان برای آموزش زبان‌های خارجی هزینه می‌کردند و حتی به مدارس خارج از کشور کمک مالی می‌دادند، بی‌آن که نامی از ایشان برده شود. نگاه ایشان به آموزش، نگاهی جامع، واقع‌گرا و مبتنی بر نیازهای واقعی جامعه بود.

چکیده مطلب: این مصاحبه، به بررسی ابعاد علمی، فقهی و آموزشی آیت‌الله العظمی سید محمد هادی میلانی اختصاص دارد. حجت‌الاسلام والمسلمین محمد حسن ربانی بیرجندی با تأکید بر نقش ملازمت علمی در شکل‌گیری شخصیت فقهی آیت‌الله العظمی میلانی، روش تدریس سنگین و عمیق او را تحلیل می‌کند؛ روشی که فقه را به‌طور جدی با اصول پیوند می‌داد. شجاعت فقهی ایشان در مواجهه با مسائل مستحدثه و موقوفات، به‌عنوان نمونه‌ای از فقه منطبق با واقعیت اجتماعی معرفی می‌شود. همچنین نقش آیت‌الله العظمی میلانی در احیای حوزه علمیه مشهد و ارائه الگویی نوین از آموزش حوزوی، شامل توجه به زبان فارسی و زبان‌های خارجی، از محورهای اصلی گفت‌وگو است. این روایت، تصویری مستند و غیرشعاری از فقهی‌ارائه می‌دهد که فقه را در متن زندگی معنا می‌کرد.

